

عاملان دستبرد به اموال مجروحان تصادفات دستگیر شدند

سید خلیل سجادیپور-دو جوان سارق که اموال مجروحان سوانح رانندگی را می ربودند، با تلاش نیروهای کلانتری رسالت مشهد دستگیر و به مراجع قضایی معرفی شدند. به گزارش اختصاصی روز نامه خراسان، ساعت ۳ بامداد روز گذشته، یک دستگاه خودروی ام‌وی ام که در مسیر بزرگراه شهیدمیرزایی حرکت می کرد، ناگهان بعداز عبور از میدان امام حسین (ع) به دلیل سرعت زیاد درخت حاشیه بزرگراه برخورد کرد. شدت این حادثه به حدی بود که درخت شکست و سرنشینان خودرو نیز مجروح شدند. طولی نکشید که با تماس آنندگان عبوری بامدادگران اورژانس، نیروهای انتظامی نیز



برای بررسی ماجرا و برقراری امنیت عازم محل تصادف شدند اما قبل از حضور عوامل انتظامی، دو جوان سارق که در همان اطراف پرسه می زدند، بلافاصله به طرف خودروی حادثه دیده دویدند و اموالی مانند گوشی تلفن وشیشه ادکلن مجروحان را ربودند. در همین حال نیروهای گشت انتظامی که از دور شاهد این صحنه تلخ بودند، با به امانت گرفتن موتورسیکلت یکی از شهروندان، بی درنگ به تعقیب سارقان پرداختند و پس از مدتی جست و جو در خیابان های اطراف بزرگراه، بالاخره موفق به شناسایی دو سارق جوان شدند؛ اما آن ها با دیدن ماموران انتظامی پا به فرار گذاشتند که در فاصله کوتاهی حلقه های قانون را بر دستان خود احساس کردند. در بازرسی بدنی از دو متهم علاوه بر گوشی های سرقتی، دو قبضه چاقوی دست ساز نیز کشف شد. دقایقی بعد با انتقال دو جوان ۳۸ و ۳۷ساله به مرکز انتظامی، بازجویی های تخصصی از آنان در حالی با دستور ویژه سرهنگ مجتبی حسین زاده (رئیس کلانتری رسالت) آغاز شد که دو

با دستگیری ۲ جوان موتورسوار واکاوی شد

ماجرای گوشی قاپی باند «مشکی پوش ها» در تاریکی شب!

سید خلیل سجادیپور info@khorasannews.com
اعضای باند گوشی قاپ های مشکی پوش در حالی با هوشیاری عوامل انتظامی کلانتری شقای مشهد دستگیر شدند که یکی از آنان سابقه سرقت مسلحانه دارد.

به گزارش اختصاصی روز نامه خراسان، در پی سرقت های متعدد گوشی قاپی که توسط دو جوان موتور سوار در مناطق شمالی مشهد رخ می داد، نیروهای کلانتری شقای مشهد وارد عمل شدند و بررسی های کارشناسی را در دستور کار قرار دادند.



طبق اظهارات برخی از مالباختگان، دو جوان موتور سوار در حالی پوشش مشکی رنگ داشتند که از کلاه آفتابی نقابدار نیز در تاریکی شب استفاده می کردند!

با این سر نخ های ظاهری، گشت های نامحسوس نیز تقویت شدند و مناطق احتمالی تردد سارقان زیر پوشش انتظامی قرار گرفت. از سوی دیگر منابع محلی و کسبه نیز به یاری پلیس آمدند تا دزدان گوشی قاپ شناسایی شوند. پس از چند روز فعالیت های اطلاعاتی و گشت زنی، بالاخره یکی از پلیس یاران از حضور موتور سواران مشکی پوش با پلاک مخدوش در چهارراه ابوطالب خبر داد. به دنبال دریافت این خبر،

بی درنگ نیروهای گشت با هدایت مستقیم سرگرد احسان سبکیار (رئیس کلانتری شفا) عازم منطقه مذکور شدند و دو جوان موتور سوار را درون پیاده رو به دام انداختند و به مقر انتظامی انتقال دادند.

بررسی های مقدماتی نشان داد ترک نشین موتورسیکلت از دزدان حرفه ای و سابقه داری است که از اواخر اسفند سال گذشته با سپردن وثیقه به

دادسرا، تا زمان رسیدگی به پرونده گوشی قاپی

معاون قوه قضاییه در کرمان:

برگشت ۵۰ درصد هزینه های دادرسی به مردم

بر داشته شود. معاون قوه قضاییه و رئیس مرکز حل اختلاف کشور در همایش استانی آوای صلح در محل دانشگاه تحصیلات تکمیلی هایتک کرمان گفت: به زودی آزمون استخدامی شورا های حل اختلاف برگزار خواهد شد. وی تاکید کرد: توسعه صلح و آشتی در فضای مجازی، میدان جدید فعالیت شورا های حل اختلاف خواهد بود.



توکلی- ۵۰ درصد هزینه دادرسی پرونده هایی که به سازش ختم شده است، به مردم باز گردانده می شود. به گزارش خراسان، معاون قوه قضاییه و رئیس مرکز حل اختلاف کشور در نشست با قضات دادگاه های صلح استان کرمان بیان کرد: باز گرداندن ۵۰ درصد هزینه دادرسی به مردم در پرونده هایی که به سازش ختم شده، موضوعی قانونی است که هنوز محقق نشده است و مراحل اجرایی آن نیز در دست پیگیری قرار دارد. حجت الاسلام هادی صادقی ادامه داد: همان گونه که نام دادگاه صلح گواهی می دهد، این دادگاه ها در ابتدا برای تحقق صلح و سازش تشکیل شده است که در مرحله دوم صلاحیت رسیدگی به پرونده ها را نیز دارند. وی با اشاره به این که اولویت دادگاه صلح، ایجاد صلح و سازش است، خاطر نشان کرد: به همین دلیل تاکید شده است که در کنار دادگاه های صلح، شورا های حل اختلاف فعالیت داشته باشند. وی گفت: بار جاع پرونده ها به شورا های حل اختلاف طی سال گذشته، به صورت میانگین ۴۲ درصد مصالحه در پرونده های قابل صلح و سازش محقق شده است و وجود این میزان سازش در پرونده ها موفقیت بزرگی محسوب می شود، زیرا با تحقق سازش در پرونده ها از زایش پرونده های بعدی نیز



جوان معتاد به صراحت دستبرد به اموال مجروحان سانحه رانندگی را پذیرفتند. گزارش روز نامه خراسان حاکی است: با معرفی سارقان مذکور به مراجع قضایی، تحقیقات پلیس برای کشف سرقت های احتمالی دیگر آنان ادامه یافت.

عکس ها اختصاصی خراسان

عکس ها اختصاصی خراسان

آزاد شده است و سابقه سرقت مسلحانه را نیز در کارنامه سیاه خود دارد. بنابر این دو متهم در حالی مورد بازجویی های تخصصی قرار گرفتند که مدعی شدند پلاک موتورسیکلت طرح هوندا را کج کرده و با قفل زنجیر می پوشانند تا شناسایی نشوند. در همین حال متهم سابقه دار که به مواد مخدر صنعتی نیز اعتیاد دارد، ابتدا مدعی شد به قصد نوشیدن آب میوه در پیاده رو متوقف شدیم که ماموران به سراغمان آمدند و ما را دستگیر کردند اما زمانی که مورد شناسایی دوتن از مالباختگان قرار گرفتند، به گوشی قاپی اعتراف کردند.

گزارش روز نامه خراسان حاکی است: یکی از متهمان مشکی پوش که سرقت های خود را در تاریکی شب انجام می دادند، در ادامه بازجویی ها ادعا کرد چون موتورسیکلت را اقساطی خریدم، هیچ گونه سند و مدرک و حتی گواهی نامه هم ندارم!

یکی از مالباختگان که شغل آزاد دارد، درباره ماجرای گوشی قاپی گفت: در بولوار ابوطالب مشغول گفت و گوی تلفنی بودم که دو جوان مشکی پوش گوشی را از دستم قاپیدند و فرار کردند اما اکنون که

آن ها را در کلانتری دیدم، بلافاصله شناختم!

تحقیقات بیشتر برای کشف سرقت های احتمالی دیگر اعضای این باند و ریشه یابی ماجرا در کلانتری شقای مشهد همچنان ادامه دارد.

دوشنبه، ۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۴
شماره ۳۱۷۶۶
۱۴ ذی القعدة ۱۴۴۶

در امتداد تاریکی

سخن چین های دوجانبه!

دیگر از رفتار های ناشایست پدر و مادر م به شدت دلگیر و خسته شده ام چرا که آن ها هر کدام به تنهایی من و خواهر کوچک ترم را وادار به سخن چینی می کنند تا...

به گزارش اختصاصی روز نامه خراسان، پسر ۱۶ ساله ای که برای رهایی از مشکل سخن چینی دوجانبه، پلیس را انتظار انهمای مورد اعتماد می دانست، با مراجعه به دایره مددکاری اجتماعی کلانتری گلشهر مشهد گفت: پدرم گج کار ساختمان است و من هم اولین فرزند خانواده هستم. با آن که پدر و مادرم از دواج فامیلی داشتند اما از روزی که به خاطر دارم مدام در قهر و آشتی و مشاجر ه بودند. آن ها به هیچ وجه تفاهم اخلاقی نداشتند و همواره مشاجر ه های لفظی آنان به کتک کاری می رسید و مادر ام شک ریزان راهی خانه پدر بزرگم می شد. این درگیری ها تا حدی پیش می رفت که گاهی اطرافیانمان نیز به خاطر آن ها بهم به نزاع می پرداختند. در این میان من که نمی توانستم صحنه های کتک خوردن مادرم را تحمل کنم، فقط به همراه خواهر کوچک ترم که «المیرا» نام دارد، در گوشه اتاق اشک می ریختم. بالاخره این ناسازگاری ها و اختلافات به طلاق انجامید و آن ها ۲ سال قبل از یکدیگر جدا شدند.

مادر م به منزل پدر بزرگم نقل مکان کرد و در یک کارگاه خیاطی مشغول کار شد. من و خواهرم نیز در منزل پدر بزرگ پدری و عمه هایم آواره شدیم. این در حالی بود که هر کدام از آن ها به دنبال مشکلات و سرنوشت خودشان رفتند و واقع من و خواهرم را به فراموشی سپردند. مدتی بعد مادرم از طریق دادگاه، حق ملاقات گرفت و هفته ای دو روز من و خواهرم نزد مادرمان می رفتیم. در این شرایط بود که مهر و محبت های خفته پدرم بیدار شد و به طور ناگهانی عشق و علاقه او به فرزندانش شکوفا شد. او که تا مدتی قبل حتی یک کلمه محبت آمیز بر زبانش جاری نمی کرد، حالا چنان ما را به آغوش می کشید و بر چهره ما بوسه می زد که گویی سال ها از یکدیگر دور بوده ایم. هر چه اراده می کردیم بر ایمان می خرید و ما را به شهر بازی می برد و حتی در رستوران و اغذیه فروشی ها شام و ناهار می خور دیم.

پدرم با لبخند های عاشقانه ما را به آغوش می گرفت و عکس های خاطره انگیزی تهیه می کرد و برای آن که خوشبختی دروغین را به مادرم نشان بدهد، این تصاویر را با همان لبخندهای ساختگی در فضای مجازی منتشر می کرد. از سوی دیگر مادرم نیز برای آن که به پدرم بفهماند فرزندانش در کنار او خوشبخت تر هستند، او هم تصاویر مشابهی را استوری می کرد و این گونه دوباره لج بازی ها و توهین های غیر مستقیم را شروع کردند. آن ها مدام از یکدیگر بد می گفتند و هر کدام به طور جداگانه من و خواهرم را وادار به سخن چینی می کردند. انگار ما باز یچه انتقام های غیر اخلاقی آن ها شده بودیم. پدر و مادر م طوری وانمود می کردند که هیچ چیزی در دنیا بارز تر از فرزندانشان نیست اما من خوب می دانستم که این رفتار های ناشایست فقط برای تحقیر یکدیگر است و من و خواهرم برای آن ها اهمیتی نداریم.

اکنون که مادر م برای زجر دادن پدرم تصمیم به ازدواج با مرد دیگری گرفته است پدرم از من و خواهرم می خواهد که نباید بگذاریم مادرمان از دواج کند! او ادعا می کند مادرم را دوست دارد و می خواهد او را به زندگی مشترک گذشته باز گرداند و مادرم نیز تلاش می کند تا ما از رفتار ها و رفت و آمدهای پدرم برایش سخن چینی کنیم؛ اما ای کاش آن ها قبل از طلاق به این روز ها فکر می کردند تا آینده من و خواهرم تباه نشود...

گزارش اختصاصی روز نامه خراسان حاکی است: با دستور های ویژه سرهنگ ابراهیم عربخانی (رئیس کلانتری گلشهر مشهد) اقدامات مشاوره ای با دعوت از پدر و مادر این نوجوان در دایره مددکاری اجتماعی آغاز شد تا شاید راهی برای بازگشت آن ها به زندگی مشترک و جبران اشتباهات گذشته پیدا شود.

بر اساس ماجراهای واقعی در زیر پوست شهر

